

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/03/09



ادامه بحث از طهارت بدن میت مسلمان
نظر مرحوم طوسی بر طهارت بدن میت قبل از سرد شدن بدن
اما قدما در راسشان شیخ طوسی اعلي الله مقامه می فرماید که جسد میت قبل از آن که
سرد بشود نجس نیست و ملاقی آن هم متنجس نمی شود در این رابطه ادله ای گفته شد
آخرین دلیلی که دیروز رسیدیم صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در باب 3
از ابواب غسل مس وسائل دو تا عنوان دارد یک غسل مس میت دارد یک غسل مس دارد
غسل مس متعلق به کسی است که مس می کند میت را غسل به عهده ادم غاسل تعلق
می گیرد غسل میت متعلق به خود میت است غسل مس این عنوان راجای دیگر عنوان می
کند

صحیحه محمد بن مسلم در این باره
غسل میت باب 3 از ابواب غسل مس حدیث اول صحیحه محمد بن مسلم سند از آن
سندهای متقن و معلوم محمد بن الحسن باسناده شیخ صدوق باسناد خودش عن الحسين
بن سعيد اهوازي از اجله و ثقات عن محمد بن ابي عمير عن جميل بن دراج که از اصحاب
اجماع است عن محمد بن مسلم عن امام الباقر عليه السلام قال **مس الميت عند موته و
بعد غسله و القبلة ليس بها باس** سند که درست است وجه استدلال به چه صورت است؟
می فرماید مس میت عند موته یعنی تازه میت از دنیا رفته عند موته هنوز جسد سرد نشده
در این صورت که این تعبیر مس عند موته ظهور دارد به مس کردن میت در حالی که میت
بدنش گرم است است **عند موته و بعد غسله و القبلة** لا باس بها چون مس میت عند موت مطلق
هست معنایش این می شود که با رطوبت باشد چه بدون رطوبت عیب ندارد و این دلیلی بر
طهارت بدن میت است تا وقتی که حرارت دارد

نظر مرحوم سید حکیم در مورد این روایت
مرحوم سید الحکیم در کتاب مستمسک جلد 1 صفحه 336 می فرماید بقیه عقبه ای که

گفته شد قابل تایید و قبول نیست ولی این روایت اخیر را باید حمل کنیم به غسل که لا باس یعنی غسل ندارد تا سرد نشده مس جسد میت غسل ندارد باید به غسل حمل کنیم ان هم بوسیله روایات دیگر که قرینه بر حمل بشود بنابراین دلالت این روایت را بر طهارت بدن میت قبل از سرد شدن تایید کرده و دلالتش هم تا حدودی درست به نظر می آید

توجیه مرحوم اقای خویی در این باره

این حدیث را سید الاستاد در کتاب تنقیح العروه جلد 2 صفحه 467 می فرماید اولاً. عند موته ممکن است حالت احتضار باشد توجیه دیگر می فرماید اگر قبول کنیم که بعد از موت و در حالت گرمی و حرارت جسد هست بوسیله صحیحه حلبی تخصیص می خورد که صحیحه حلبی که خواندیم اسم حلبی چه بود

نکته اخلاقی

شما مصداق ان دعایی هستید که منسوب به اقا امام زمان سلام الله علیه هست که می فرماید **و علی المتعلمین بالجهد و الرغبة** این دعا از امام زمان که ان شا الله منسوب درست باشد معنایش این می شود که امام زمان این است نظرش این است که طلبه ها به این امور جهد و رغبت داشته باشند وقتی ادم بداند که جهد و رغبت ادم مورد رضایت و خواست نظر اقا هست حالی بالاتر از این نیست جهد و رغبت دارید این دیگر خاطر اقا را شاد می کند **و علی المتعلمین بالجهد و الرغبة** این جهد دیگری است خداوند بر جهد شما بیافزاید خداوند شما را از اهل جهاد و اجتهاد فقهی قرار دهد یکی از سرمایه ادم عمر است در هر کجا خرج کند ادم اخرش پشیمانی است ان روز را که ادم نمی تواند که جلویش را بگیرد که نباید شتری است که در خانه هر کسی زانو می زند ان روزی که پشیمانی ندارد ان روز بگوید که عمری داشتم در راه فقه اهل بیت خرج کردم که من از اقای خویی نقل می کنم که ایشان از اساتید خودشان که صاحب جواهر که از دنیا می رفت در حال احتضار هاتفی صدا زد هذا عرف شیئا من علوم ال البيت چرا توفیق و اخلاص و ولا-یتش کار می کرد صاحب جواهر تلاش از سر اخلاص تلاش به جایی می رسد ان که میراث جاودانه می شود از سر اخلاص صاحب جواهر می گوید کتاب خمسش را خبر دادند گفتند کتاب خمس را تجار استفاده می کنند گفت استفاده می کنند نقل به مضمون من برای یادداشت های خودم نوشته بودم برای مراجعات در بحث استنباط داشته باشم برای این نبود که مردم از ان استفاده کنند قصد را ببینید گفته بودیم طلبه دو تا مقوم دارد این دو تا مقومش هست و بیمه اش هست 1. واجبات و محرمات به طور حساس عن معرفه الولایی که زیر نظر اقا کار می کند 2. درس خوب عن اخلاص این در دنیا می شود ازادی معامله با خدا و ولی خدا زیر پوشش لطف خدا لطف خدا چیست؟ لطف خدا خود امام زمان است وجوده لطف و غیبه لطف اخر و ما سر لطف خدا زندگی می کنیم درس که می خوانیم آموزش علوم در معسکر مولا است و عسکر هر اماده به خدمت هر کجا موقع بود خدمت نبود هر کجا اماده بود عسکر اماده باشد تصوف که نیست منتها به ذهن من دغدغه نداریم که کی کجا چه می شود ما اماده ایم امادگی اصلی این است که گفته ایم اگر یک صدایی بشنویم صدا را بشنویم چطوری می شود ادم شاهد بیاورم ادله بیاورند و قران نه این نیست یک صدایی می شنوید خود صدا را تمام وجود و جسم و روح و جان ادم تصدیق می کند جان ادم را فرا می گیرد کل روح تسلیم می شود ان معنای سلم لمن سالمکم می شود و ان صدا که بشوند دیگر مثل عرفی این است با

اقارب واحباب با بهترین پسری دارد خیلی دوستش دارد یا دختر بچه ای دارد خیلی دوستش دارد بعد اگر بشنود صدا را شب خداحافظی نکند در یک مکاشفه ای رفته بود پیش اقا رفت به جنگ دید همه چیز آماده است وضع فرق می کند تشنه اش شد رفت آب خورد از دور دید خبری نیست غذا خواست غذا خورد اینجا که می رفت دنبال اقا یک وقت یادش آمد که بچه ای که داشت غذا دارد تا گفت غذا دارد یک مرتبه برگشت همه انجایی که هست هست فاخلع نعلیک تعلقات را بکنید انک بالوادی المقدس طوی اینها مال ما که نیست ما از خودشان به لطفی که کرده اند ما افتخار جیره خواری که داریم سر سفره اش آنچه از اساتیدمان یاد گرفته ایم برای شما می گویم که خیلی شما امامدگی دارید برای شنیدن خود آنها می گویند **و علی المتعلمین بالجهد والرغبة** متعلمین علوم ال البيت قدر متیقین علوم ال البيت فقه است تجربه کنید اگر کسالت جسمی دارد یا مشکلاتی در زندگی دارید در روایت دارد که پیش امام صادق آمد گفت اسیرم استغفار مریضم استغفار گفت حاجتی دارد استغفار هر چیزی استغفار چون جلوی موفقیت آدم گناه هست تمام پایشها در زندگی گناه هست ما من نکهه امام باقر **ما من نکهه تصیب العبد الا بذنب** توجه و استمرار درس فقه

ما چه می گویم استفاده از سفره و تجربه قطعی فقهی حاجت دارید مشکل دارید خدای نخواستہ مشکل جسمی دارید مشکل خانوادگی دارید فقر رفتاری کارهای زندگی را ادامه بدهید درس فقه را ادامه بدهید تابستان که می شود حداقل نیم ساعت با فقه ارتباط داشته باشید این چه می کنید 1. ابرو می دهد فقها ابرومندند در تاریخ تشیع بعد از ائمه امام خمینی چون فقیه بود فقها ابرومندند درس فقه را ادامه بدهید مال و ثروت سلامت رفع هم و غم یک طلبه ای که به حقیر مراجعه می کند از باب اشتباه در تطبیق آمده زندگی آینده ام یک مشکل دارد خیلی طلبه خوب و جوان و با اخلاق می گوید نمی رسم درس بخوانم نمی رسم نیست این که می گوید نمی رسم رفتاری دارم کار دارم اینها به اصطلاح امروزی اینها ویروس است ویروس فقه این وسوسه هاست کار دارم اینها بیماری هاست که عاید می شود این بیماری را نادیده بگیرد گفتم برای شما شیخ صدر استاد من قدس الله نفسه الزکیه از اوتاد بود ان شا الله در زندگی نامه قصد داریم چاپ کنیم شیخ صدرای بادکوبه ای که در نجف بود می گفت تنفس من درس است درس نگویم می میرم به درس و زندگی یعنی فقه

حمل صحیحه محمد بن مسلم بر صحیحه حلبی و جمع این دو روایت سید الاستاد می فرماید صحیحه حلبی که می فرمایند باب 34 از ابواب نجاسات حدیث 2 فرمود که اگر به جسد میت ثوبش اصابه کند و مس بکند و ثوب مرطوب باشد موجب نجاست می شود پس این حدیث را حمل می کنیم به مضمون صحیحه حلبی که مقصود از عدم باس اینجادر روایت محمد بن مسلم مس بدون رطوبت و انجا که آمده بود که تنجیس می شود مس با رطوبت پس هر دو حدیث در کنار هم که قرار گرفت صحیحه محمد بن مسلم محمل پیدا کرد و سید الاستاد می فرماید بهترین جواب از این صحیحه محمد بن مسلم این حمل و این جمع خواهد بود بنابراین نسبت به این حدیث ما به مشکلی بر نخریدیم و محمل برایش پیدا کردیم و حمل بر عدم تنجیس کردیم در صورتی که رطوبتی در کار نباشد مدلول صحیحه محمد بن مسلم عدم تنجیس در صورتی که رطوبتی در کار نباشد که صحیحه حلبی گفت که ملاقات با ثوب مثلاً با میت اگر با رطوبت باشد موجب تنجیس

می شود حمل و جمع درست شد

سوال در تفاوت فهم قدما و متاخرین از یک روایت کدام ملاک است

جواب- قرب زمانی به ائمه (ع) فهم قدما را مقدم می کند اما

بعضی از عزیزان سوال خوبی دارند و آن سوال این است که اگر یک روایت باشد فهم فقها قدما چیزی باشد و فهم فقهای از متاخرین چیز دیگر باشد جزء سوالهای کلیدی است قدما متاخرین یک دید ابتدایی است و یک دید تحقیقی است در دید ابتدایی می گوئیم فهم فقها از روایات قرب زمانی قدماست مکانت بعضیها با یک یا دو واسطه به امام وصل است طبیعتا فهم آنها مقدم است این دید ابتدایی است اما دید تحلیلی و تحقیقی که در اجتهاد باز است برای فقهای اخیر هم ارتباط قطع نیست قدر خودتان را بدانید اقا به شما طلبه ها کرمی که دارد نظر دارد مرجع عصر اخیر هم نظر دارد ارتباط آنها با اقا قطع نیست بنابراین می بینیم که متاخرین هم پس از یک تحقیقات یک مطالبی را احیاناً درک می کنند یا با تحقیقات بیشتر می رسند که در بین قدما آن مطلب کاملاً باز نشده بود حکمش آنها اشتباه نبود حکم مطابق احتیاط بود مثلاً حکم قدما درباره افتادن عصفور در چاه آب چه بود نزع بود آن حکم بود الان فقهای اخیر تقریباً اجماع کردند بر خلاف مشهور که قدما می گفتند و درست هم بود و ادله دیگر هم پشتیبانی می کند روایت هم دلالت می کرد بر آن مطلوب ضعیف بود و معلوم شد که فهم متاخرین قوی تر است بنابراین یک معیار کاملی وجود ندارد بستگی به مورد دارد گاهی مواردی پیدا می شود که یک حکمی مطابق احتیاط داده شده و پس از بررسی و تحقیق دقیق کاملاً روشن می شود که حکم این بوده بین متاخرین خوب اما از این جهت که فارغ شدیم جواب این صحیحی که داده شد

تحقیق مطلب

یک جوابی را هم ما علی التحقیق داریم عرض می شود که بر مسلک تحقیق این صحیحی دلالت بر طهارت و نجاست ندارد به قرینه قبله این است که شخصی که از دنیا می رود بستگان عاطفی دارد برایتان مثال بزنم که دشوار نباشد پدر بزرگی دارد خیلی عزیز بعد از که از دنیا می رود پسرش می آید دستش را می بوسد این نوه اش می آید خودش را می اندازد روی جسد پدر بزرگ و بوسیدن اینها در ذهن متشرعین سوال خلق می شود میت است یا میت ارتباط قطع است غسل است و مسش هم حکم دارد قبله آیا بوسیدن جائز است یا جائز نیست میت شده دیگر و همین طور مسش این سوال که آمده طبیعتاً به قرینه قبله نشان می دهد که سوال از اصل جواز مس و قبله است قبله که تقریباً ظاهر بر این معناست که این عمل جائز است ببوسم با یکی از فقهای بزرگ نجف بحثی بود درباره قبله زوج زوجه خودش را بعد از موت بحثی بود که از همین روایات استفاده می شود که نه غرضش چیز دیگر نبوده که مثلاً غسل باشد یا تنجیس باشد نه علاقه ای خداحافظی یک قبله ای یک بوسیدنی بوسیدن عاطفی است پس از که قبله صورت می گیرد بوسیدن و مس دست به دستش می گذارد پایش را به سینه اش می چسباند آیا اینها جائز است امام می فرماید مس المیت عند موته این هم **عند موته این مطلب و بعد غسله و القبلة لیس بها باس** اشکالی ندارد حکم تکلیفی ندارد این سوالها در ارتباط با جواز و عدم جواز است این عدم باس مربوط می شود به اینکه جائز است اشکالی در کار نیست در آن جهت نیست در جهت این است که میتی از دنیا رفته بستگان نزدیکش خیلی علاقه دارند الان هم هست می بوسند

صورتش را این بوسیدن صورت جائز هست یا نیست؟ این زنده که نیست میت است سوال و جواب ایا زنی شوهر سابقش که از دنیا رفته عکس انرا می تواند بوس کند؟ اتفاقا از نظر اخلاقی و احادیث اخلاقی اشتباه است مثلا در احادیث اخلاقی که کسی زن شوهر داری را به ذهن خود به خیال خود که این زن چقدر زن خوبی بوده اگر می شد با این ازدواج می کردم این اشکال دارد این نکات اخلاقی و ان زن هم اگر به یاد ان شوهر قبلی باشد و محبتش را به دل پیوراند از نظر اخلاقی اشکال دارد از نظر فقهی اشکال ندارد

سوال از قبله بوده است نه سوال از غسل مس میت

سوال و جواب قبله چه ربطی دارد طهارت و نجاست به رطوبت و مس است قبله با میت ارتباط عاطفی است خود این کار قبله نسبت به میت که محرمیت و غیر محرمیت ندارد میت بریده نیاز به دلیل داریم الان با میت هر گونه ارتباط و تماس اینها نیاز به دلیل داریم قبله از میت واقعا جائز است یا جایز نیست بنابراین می گوید نه قبله اشکال ندارد جهت این روایت اصلا غسل و تطهیر و تنجیس نیست جواز و عدم جواز قبله و امثال انهاست البته این جواب را بقیه هم گفته اند منتها حقیر تشخیص دادم که بهترین جواب این باشد از احکام متعلق به میت است ربطی به غسل و غسل ندارد

صحیحه ابراهیم بن میمون در حکم تماس با بدن میت بعد از سرد شدن بدن الان یک روایت دیگر استدلال می کنند در همان باب 34 از ابواب نجاسات حدیث شماره 1 حدیث صحیحه ابراهیم بن میمون این حدیث را قبلا خوانده بودیم به مناسبت سوال می شود **عن رجل یقع ثوبه علی جسد المیت** تا اینکه می فرماید **و ان کان لم یغسل فاغسل ما اصاب ثوبک منه یعنی اذا برد المیت** این حدیث سندش درست است صحیحه است دلالت هم کامل است یعنی می گوید اذا برد المیت تماس گرفتید هم غسل دارد و هم غسل اگر با رطوبت باشد نجس نمی کند لا تغسل ما اصاب ثوبک یعنی اذا برد تایید قول مشهور

این واضح و صریح است بر مدعای کسانی که می گویند تا جسد گرم هست منجس نیست لا تغسل انجا بعد می فرماید فاغسل ما اصاب ثوبک اذا برد المیت این صریح است نه ظاهر به فتوای مشهور قدما که تا جسد گرم است منجس نیست **فاغسل ما اصاب ثوبک منه یعنی اذا برد المیت** این دلالت کامل است به این هم استدلال شده بقیه که حل شد

نظر مرحوم اقای خویی در مورد کلمه یعنی در روایت ابن میمون این یک راه حلی است که هم سید الاستاد و هم سید الحکیم در همان منبعی که گفتم که این ذیل ثابت نیست که قول امام باشد اذا برد المیت چون بعد از کلمه یعنی آمده یعنی تفسیر است مفسر غیر از خود امام است راوی مفسر است لذا در دو نسخه از کافی یک نسخه اش این اذا برد را دارد نسخه دوم اذا برد المیت را ندارد و سید الاستاد می فرماید که اگر جزء حدیث بود کلمه یعنی لازم نبود می فرمود ما اصاب ثوبک منه اذا برد اینجا گفته **فاغسل ما اصاب ثوبک منه یعنی اذا برد المیت** حداقل شک می کنیم در بودن این جمله از کلام امام همین شک کافی است در عدم اعتبارش شک کردیم که از کلام امام هست یا نیست اصل عدم و جودش از کلام است مطلب تمام نتیجه این شد آنچه در متن آمده جسد میت قبل از سرد شدن و بعد از سرد شدن نجس است و منجس که از نص و فتوای متاخرین این مطلب استفاده می شود بنابراین فتوای صحیح همان است که سید یزدی در

عروه فرموده اند